

ارد	فست لوبان	لوبان	تلاوسکه	فست لوبان	لوبان
دلار امریکا	۹۹۲	۰	سکه طرح قدیم	۲۵۳۵۰۰	۰
یورو	۱۴۸۶	۰	سکه طرح جدید	۲۵۳۰۰۰	۰
پوند انگلیس	۱۶۲۵	۲	نیم سکه بهار آزادی	۱۲۵۵۰۰	۰
دلار کانادا	۹۵۶	۱	ربع سکه بهار آزادی	۶۴۰۰۰	۰
ریال سعودی	۲۶۵	۰	یک گرم طلای ۱۸ عیار	۲۵۰۰۰	۰

## پیدا و پنهان

**حمله کیهان به خاتمی**؛ روزنامه کیهان دیروز در مطلبی به قلم مدیر مسول آن به شدت از خاتمی به دلیل تعلق جایزه «گفت‌وگوی جهانی» به او انتقاد کرد و انتخاب این مرکز جهانی را مدرك ضدانقلاب بودن رئیس جمهور دولت اصلاحات عنوان کرد. شرعیتمداری پس از چند روز سکوت نوشته است: «خاتمی اگرچه طی چند سال گذشته و مخصوصاً در جریان فتنه اخیر نشان داد رویکردی نه فقط متفاوت، بلکه متضاد با نظام و انقلاب و امام(ره) پیدا کرده است ولی کماتکان داعیه همراهی با نظام اسلامی را در این دوره به صراحت، خ‌رج قطعی خود از اردوگاه انقلاب را اعلام نکرده است. پذیرش جایزه مورد اشاره و قبول اشتراک با یکی از جرتومه‌های پلید و دشمنان تابلودار حضرت امام(ره) نظر داریوش شایگان می‌تواند خارجی وابسته به کودتای مخملی و روزنامه‌های زنجیریه‌ی با آب و تاب از اهدای جایزه «گفت‌وگوی جهانی» به خاتمی و شایگان یاد کرده‌اند و یکی به اهداف شناخته شده از اهدای این جایزه اشاره کنند یا درباریه داریوش شایگان چیزی به روی خود یاروند، به این جایزه افتخار! نیز کرده‌اند. و اما اگر آقای خاتمی با اعلام خروج کامل خود از اردوگاه نظام و انقلاب و امام(ره) موافق نیست، باید به صراحت— که در مقابله با دشمنان کمتر از ایشان دیده شده— از دریافت این جایزه خودداری کند. . . .»

**نورعلی تابنده سالم است**؛ سایت خبری درایش گنابادی خبر داد حاج نورعلی تابنده قطب این سلسله در سلامت کامل به سر می‌برد و اخبار سایت‌های حامی اخیر درباره وضعیت وخیم وی کذب است. مجذوبان نور نوشت وی دو روز گذشته در دو مراسم شرکت کرده است.

**واکن‌های ۳۹‌ساله**؛ شنیدیم علت خروج واگن‌های راه‌آهن از ریل در کرمان فرسودگی واگن‌ها بوده است. گفته می‌شود این قطارها در سال ۱۹۶۹ در آلمان ساخته شده و چندین بار بازسازی شده است.

**جایزهٔ آزادی بیان برای زیلا بی‌عقوب**؛ زیلا بی‌عقوب روزنامه نگار ایرانی و روزنامه رومی نویاگرتزا به طور مشترک برنده جایزه جهانی آزادی بیان شدند. این جایزه از سوی سازمان غیردولتی «روزنامه نگاران کانادایی برای آزادی بیان» به برندگان تعلق می‌گیرد.

**درخواست ۸۸ برای آزادی بازداشت‌شکان دعای کمیل**؛ ستاد ملی جوانان حامی خاتمی و موسوی (۸۸) در بیانیه‌یی به بازداشت جوانان و فعالان سیاسی در مراسم دعای کمیل اعتراض کرد و خواستار آزادی آنها شد. در بخشی از آن آمده است: ما جوانانی که حیثیت، شرف و اعتبار ما را در این انتخابات برای میهن مان به گرو گذاشته‌ایم، هرگز راضی نخواهیم شد انقلاب مان و عزت میهن مان خدشه دار شود و در این راه ثابت قدم هستیم. این تشکل از جوانان سراسر کشور برای گرفتن روزه در روز ولادت امام رضاع) دعوت کرده است.

**علیرضا بهشتی در نمایشگاه مطبوعات**؛ حضور علیرضا بهشتی در نمایشگاه مطبوعات روز گذشته با استقبال مردم مواجه شد. البته این حضور با دزگیری میان مردم و برخی نیروها همراه بود. **به همسایگان آب دهنید**؛ در خبرها آمده است شماری از افغان‌ها در راهپیمایی اعتراضی در کابل خواستار مهار و کنترل آب‌های مرزی افغانستان توسط دولت این کشور شدند. در حال حاضر آب‌های رودخانه‌های آمو، هیرمند، هریرود، مرغاب و کنر به کشور همسایه سرازیر می‌شود. ظاهراً در این تجمع به ایران بر سر استفاده از آب هیرمند اعتراض شده است.

## خبر

## اعلام برنامه‌های بنیاد رودکی در آبان‌ماه

بنیاد فرهنگی، هنری رودکی آبان‌ماه سال جاری را در سه زیرمجموعه خود (تالار وحدت، سالن رودکی و برج آزادی) با فعالیت‌های مختلف هنری از جمله موسیقی، نمایشگاه‌های هنری و همچنین چند همایش آغاز خواهد کرد.

به گزارش روابط عمومی و امور بین‌الملل بنیاد رودکی، گروه‌های مختلف موسیقی که در بین آنها گروه‌های موسیقی بانوان نیز به چشم می‌خورد، جدول برنامه‌های تالار وحدت و سالن رودکی را به شرح زیر به خود اختصاص داده‌اند. «ارکستر سمفونیک تهران» به رهبری منوچهر صهبایی از ۱۳ الی ۱۵ آبان‌ماه، گروه موسیقی «مهاب» به سرپرستی احسان دینیچی فر روزهای ۱۷ و ۱۸ آبان، گروه «گوشه» به سرپرستی سیامک آقای و صدای سالار عقیلی روزهای ۲۰ الی ۲۲ آبان، گروه و گروه «چکاوک» به سرپرستی رضا شایسته روزهای ۲۱ و ۲۲ آبان‌ماه در تالار وحدت به اجرای برنامه خواهند پرداخت.

دو گروه موسیقی بانوان، از جمله گروه «ژیوار» به سرپرستی ژیوار شیخ‌الاسلام روزهای ۲۳ و ۲۴ آبان و گروه «فریبا اسدی» روز ۲۱ آبان از جمله گروه‌هایی هستند که به اجرای برنامه خواهند پرداخت. گروه موسیقی «آبدر» نیز در صورت امکان در روزهای ۲۴ و ۲۵ آبان اجرای برنامه می‌پردازد.

اجرای گروه‌های «شاهو» به سرپرستی حامد صغیری و «آزاده حجت» (موسیقی بانوان) در روزهای ۲۸ و ۲۹ آبان پایان‌بخش برنامه‌های موسیقی آبان‌ماه بنیاد فرهنگی، هنری رودکی است. ضمن اینکه احتمالاً کنسرت موسیقی گروه «آوای مهربانی» که ۲۹ مهرماه الی یکم آبان در تالار وحدت برگزار شد با توجه به استقبال از آن، در همین ماه تمدید شود.

سالن رودکی نیز علاوه بر اینکه هر روز محل تمرین گروه‌های اجرایی است، میزبان دو گروه موسیقی از جمله «ارکستر مجلسی جوانان» به سرپرستی بهروز وحیدی آذر روزهای ۱۴ و ۱۵ آبان و «تکنوازی گیتار» توسط ساعی پور خواهد بود که روزهای ۲۴ و ۲۵ هم جاری می‌شود خود را اجرا خواهند کرد.
مجموعه فرهنگی، هنری انقلاب اسلامی (برج آزادی) نیز در این میان محل برگزاری نمایشگاه‌های مختلف هنرمندان خواهد بود تا بتوانند آثار هنری خود را برای علاقه‌مندان عرضه کنند. کماینکه برج آزادی خود را برای برگزاری اولین کنسپوی هنرهای تجسمی که قرار است در آذرماه سال جاری در همین مکان برپا شود و متولی آن نیز بنیاد رودکی است، آماده می‌کند.

## سینمای ایران

## رقیب فرهادی در اسکار در تدارک فیلم جدید

برنده نخل طلای کن سال ۲۰۰۹، ایزابیل هوبر را برای نقش اصلی فیلم جدید خود انتخاب کرد. مایکل هانکه که فیلم «روبان سفید» موفق به کسب نخل طلای کن شد، در حال آماده‌سازی فیلم جدید خود است. هانکه هم اکنون پیش نویس فیلمنامه پروژه جدیدش را که هنوز نامی برای آن انتخاب نکرده، آماده کرده است. او دو بازیگر اصلی این فیلم را هم ازهم اکنون انتخاب کرده است؛ ایزابیل هوبر بازیگر سرشناس برینده دو جایزه اسکار و ژان لوئیس ترین‌تینگات بازیگر ۷۹ساله فرانسوی. به گزارش اسکرین دیللی، این فیلم که از تابستان سال آینده مقابل دوربین خواهد رفت، به موضوعی اجتماعی افراد سالخورده و تحقیر آنها خواهد پرداخت. هانکه در این باره اعلام کرد، داستان این فیلم الهام گرفته از خودکشی عمه ۹۳ ساله وی بوده که به جای رویارویی با مشکلات دوران سالخوردگی، اقدام به خودکشی کرد. هانکه هم اکنون به دنبال بازیگر زن دیگری است تا سومین نقش اصلی فیلم خود را به او بسپارد.

## جشنواره فیلم کورتو پوتره میزبان دو فیلم ایرانی

جشنواره بین‌المللی فیلم «کورتو پوتره» ایتالیا از امروز میزبان دو فیلم کوتاه ایرانی می‌شود. این رویداد هنری از ۲۵ اکتبر (سوم آبان) آغاز به کار می‌کند و فیلم «فرش چوب» به کارگردانی عبدالرحمان میرانی با مدت زمان ۲۰ دقیقه و فیلم کوتاه «رویاهای پرب» اثر سالد سلواتی از ۲۵ آبان ۲۶ دقیقه، ۲۶ اکتبر به روی پرده می‌روند. دبیر اعلام پایگاه اطلاع‌رسانی جشنواره فیلم کورتو، این فیلم‌های در بخش‌های آثار کوتاه داستانی، تجربی و انیمیشن اقدام به گزینش و نمایش فیلم‌های برگزیده‌اش می‌کند. جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کوتاه کورتو پوتره تا ۳۱ اکتبر (۹ آبان) در شهر برگامو ایتالیا برگزار می‌شود. به گزارش ایسنا در بخش نمایشگاهی جشنواره فیلم کورتو آثاری از «آرتاوازد میشلیدان» فیلمساز مطرح ارمنستانی و هفت فیلم کوتاه از آثار دیوید کرانبرگ، اروسون ولز، ماریو باوا و ساموئل بکت به نمایش درمی‌آید. جشنواره بین‌المللی «کورتو پوتره» امسال چهارمین دوره برپایی خود را جشن می‌گیرد.

طراح: الهام عزیزی (از جشنواره بسم الله)

روزنامه خبری-تحلیلی،اجتماعی،اقتصادی،فرهنگی،سیاسی،ورزشی

• صاحب امتیاز و مدیرمسول: ابیاس حصرتی • مدیر: بهروز بهزادی

• نشانی روزنامه : خیابان شریعتی - خیابان خواجه‌عبدالله‌انصاری -کوچه هشتم - پلاک ۱۶

• تلفنخانه: ۲۲۸۶۲۱۸-۲۲۸۶۲۷۱-۲۲۸۶۲۴۵ • تلپار: ۲۲۸۶۲۴۵

• امورمشترکین: تلفن: ۲۲-۸۸۲۴۱۳۸ • تلپار: ۸۸۸۲۴۳۶ • سازمان آگهی‌ها: ۲۶۲۰۰۱۹۹

• توزیع: موسسه پیام‌سان پرروز، تلفن: ۳۵-۶۶۱۸۱۳۳

• چاپ: گلرپز • نشانی: بزرگراه فتح، انتهای فتح ۱۷، پلاک:۲۰تلفن: ۶۶۸۲۲۳۴۶

اذان ظهر: ۱۱/۴۸ = غروب آفتاب: ۱۷/۱۶ = اذان مغرب: ۱۷/۴۴ = اذان صبح فردا: ۴/۵۷ = طلوع آفتاب فردا: ۶/۲۲



در مراسم امسال بهترین رمان و مجموعه داستان ۱۰ سال اخیر این جایزه هم برگزیده خواهد شد.عکس: بهنام مؤذن

# معرفی نامزدهای جایزه ادبی نویسندگان و منتقدان مطبوعات

افغان – برگزیده شد.

دوره جایزه ادبی نویسندگان و منتقدان مطبوعات مستخض شدند. هیات‌داوران این دوره از جایزه منتقدان مطبوعات داستان‌های «آنجا که پنجرگیری‌ها تمام می‌شوند» نوشته حامد حبیبی، «برف و سفوفنی ابری» نوشته پیمان اسماعیلی و «دیوانه در مهاب» نوشته حیدرضیا نجفی را به عنوان نامزدهای بخش مجموعه داستان انتخاب کردند. در دوره گذشته بخش مجموعه داستان برگزیده نداشت و سه مجموعه داستانی «احتمالاً»، «موتالیزای منتشر» نوشته شاهرخ گیوا و «نگران نباش» نوشته مهسا محب‌علی نامزدهای بخش رمان هستند. در دوره گذشته در بخش رمان، «آز یاد رفتن» نوشته محمدحسین رحمانی – نویسنده

گروه فرهنگی : نامزدهای دهمین

دوره جایزه ادبی نویسندگان و منتقدان مطبوعات مستخض شدند. هیات‌داوران این دوره از جایزه منتقدان مطبوعات داستان‌های «آنجا که پنجرگیری‌ها تمام می‌شوند» نوشته حامد حبیبی، «برف و سفوفنی ابری» نوشته پیمان اسماعیلی و «دیوانه در مهاب» نوشته حیدرضیا نجفی را به عنوان نامزدهای بخش مجموعه داستان انتخاب کردند. در دوره گذشته بخش مجموعه داستان برگزیده نداشت و سه مجموعه داستانی «احتمالاً»، «موتالیزای منتشر» نوشته شاهرخ گیوا و «نگران نباش» نوشته مهسا محب‌علی نامزدهای بخش رمان هستند. در دوره گذشته در بخش رمان، «آز یاد رفتن» نوشته محمدحسین رحمانی – نویسنده

### پایان جشنواره فیلم توکیو

## سینماگران ایرانی دست خالی برگشتند

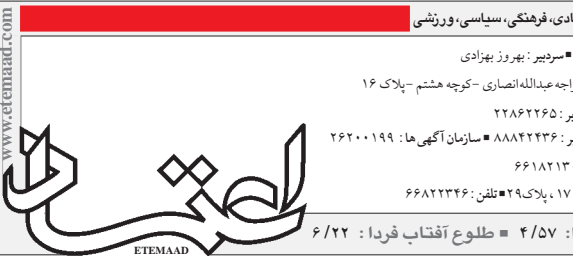
مرد را هم به دست آورد و کریستو کریستف توکیو با درخشش فیلم مسیمای «بازی‌های شرقی» به کارگردانی کامین کالف از بلغارستان در ژاپن به پایان رسید. سیست و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم توکیو صبح روز گذشته با معرفی برگزیدگان به کار خود پایان داد. در این جشنواره فیلمسازان ایرانی نتوانستند در هیچ یک از بخش‌ها موفقیتی به دست یابوند. جایزه بزرگ سینمایی «هشت درجه بالاتر» دریافت کرد و جایزه ویژه تماشاگران به فیلم سینمایی «تروتسکی» به کارگردانی جیوکب تیزی از کانادا اهدا شد. در بخش مسابقه پدهای

## یادداشت

جناب گلمکاتی، اینجناب حامد

بهداد میزان موفقیت و محبوبیت را در میان مردم هرگز مدیون نقد و یادداشت‌های منتقدان نمی‌دانم. مقوله نقد بیش از آنکه مشتری‌اش مردم باشد راهکاری است برای خود ما سینماگران که اگر نکته‌یی وارد باشد، اشعارمان را در ارائه کار، هر چه ناپ‌تر کنیم. یادداشتی نوشته بودید که این کجای مقوله بازیگر-اینجناب. گویا قصد واگذاری مافیای نقد را دارید و فقط به صدور رای مخالفت‌م با موافقت‌م بسننده فرموده‌اید. خب نماینده مجلس می‌شاید استاد. گریم انداز راجع به کار بنده همان

چند خطی بود که رفت. آبا معنایش چیزی جز مهر تاییدی جهت‌دار بر نقدی به‌ظاهر تئوریک بود؟ آن‌هم با ترنند لفاظی؟ چه که خود بهتر می‌دانید اگر آن نقد محلی از اعراب باشد؟ یادداشتی نوشته بودید که اینجناب عقیده دارم سینما بدون نقد و منتقد می‌میرد که البته این شامل حال نقدی که به عمد و تاکید، تایید فرمودید نمی‌شود- دلایل نقد مورنظر برای اثبات داعیش ربطی به کار اینجناب ندارد؛ مثلاً ماجرای سنگ‌سکوت و چیدمان عکس‌هایی خارج از متن که به صلاحدید شما اتفاق می‌افتد. این است که می‌گویم جهت‌دار. اگر اینجناب در یک نشست تخصصی، مربوط به تئاتر تجربی، روی سبز می‌روم چه ربطی به کارنامه سینمایی بنده دارد؟ اگر در آن جلسه دست به حرکات نمایشی زده‌ام، منظوری شخص‌دارنبال کرده‌ام. مضاف بر اینکه می‌دانم از تئاتر تجربی کمتر می‌دانید؛ چرا که نمایش از همان جلسه مطبوعاتی شروع شده بود. نقد مورد تائیدتان به اینجناب بیشتر از منظر طب روانشناسی پرداخته است، کماینکه در اهانت‌نامه مدعی منتقد، درباره سوابق پزشکی و تربیتی بنده اظهار فضل شده جناب گلمکاتی، اگر در روزنامه وطن امروز از اینجناب اشارتی و کنایه‌یی به شما رفت قوی‌اعز می‌خواهم. قصد تمهید نبود اما روی مسخه با شما بود، نه با نقد مورد تائیدتان. جای درنگ است که هر نقدی از هر منتقدی را در محله خود چاپ



### شنیدنی

<b>از حافظ بیرسید</b>					
<b>سررشته جان به جامر بگذار</b>	<b>کاین رشته از او نظار دارد</b>	<b>کاین رشته از او نظار دارد</b>			
<b>آذربایجان شرقی</b>	۳۲	۱۷	سیستان و بلوچستان	۳۶	۱۵
<b>اصفهان</b>	۳۴	۱۶	فارس	۳۵	۱۶
<b>ایلام</b>	۳۷	۳۰	کردستان	۳۷	۱۴
<b>تهران</b>	۳۵	۲۴	گلستان	۳۹	۲۱
<b>خراسان رضوی</b>	۳۵	۱۸	لرستان	۳۸	۱۹

## هفته پنجاه و هشتم

**درباره لیلی گلستان، معاونت سینمایی، صداها، ابراهیم حاتمی‌کیا، آقای هفت‌رنگ، گروه Muse و کار ووشنفرکی با پول پدر**

امیر قادری



ستون این هفته کمی زیاد و پرملاط ، اما پراشاره و تیتروار است. نکته‌های فراوانی برای گفتن بود و حینم آمد که بعضی هایشان را نگه دارم برای هفته بعد. هرچند چند تابش را شاید هفته‌های بعد بیشتر بهشان بپردازیم و بال و پرشان بدهیم. به خصوص مورد مربوط به فیلم صد سال به این

سال‌های سامان مقدم و آقای هفت‌رنگ محصول تازه پویافلم. چند سال قبل، از دوست نازنینم ایرج جمشیدی روزنامه آسیا یاد گرفتم ایده‌ها را نگه ندارم. انبار نکتم. مصرف کتم که جا برای بار تازه باز شود:

این کتاب گفت‌وگو با لیلی گلستان، از امید فیروزبخش و کار نشر ثالث را از دیشب دست گرفته‌ام و دارم می‌خوانم. چاپ چهارم هست و من تازه کشفش کرده‌ام. شیرین و امیدبخش و پر از اندوه. داستان آدمی که تکلیفش روشن است، با خودش خوب کنار آمده و احساساتش را جووری روی دایره می‌ریزد که اینجا و این دور و برها کمتر دیده‌ایم. بی‌عقده و بی‌توهم و آرام و روراست. آدمی که خوب دور و برش را نگاه کرده و حالا آنچه را دیده با ما در میان می‌گذارد. نه برای ترساندن و محدود کردن و یأس و نومیدی. که برای گرم کردن و روحیه دادن و اشاره به دنیایی که همین است که هست. . . . همین است که هست. گلستان پاسخ‌هایش را با یک تکر کشفنگ بازنویسی کرده، و همین تثر تبدیل شده به مصداق عینی همان دنیایی که درباره‌اش حرف می‌زند. گاهی وقت‌ها فکر می‌کنم کافی است آدمیزاد یک دوره‌یی از عمرش، کودکی، نوجوانی، جوانی. . . در ماه و سالی، زندگی خوب و کاملی را تجربه کرده باشد. همین بس است که تا آخر عمرش به غم بی‌معنایی دچار نشود. چون می‌داند که روزی دور و برش قرار می‌گیرد. . . . خانم گلستان ظاهراً از دوره‌ها و دوران‌ها زیاد داشته. . . .

و اینکه کار معاونت سینمایی وزارت ارشاد در چند هفته اخیر، چقدر رو به جلو و مفید بوده. نه فقط به خاطر اینکه اجازه اکران فیلم خوب به رنگ ارغوان را داد (آتهایی که فیلم را دیده‌اند، می‌دانند چه دوران پربحث و شور و نشاطی را موقع اکرانش می‌شود تجربه کرد)، نه فقط که چون در همان روزهای اول، پروانه ساخت فیلم‌هایی از سمود کیمیایی و بهرام بیضایی و کیانوش عیاری و جمال شورجه را با هم صادر کرد، نه فقط به این دلیل که به رفع مشکل هایش، ثابت کرد با فروش و ستاره در سینما مشکلی ندارد، بیشتر به این خاطر که چند روز پیش و در یکی از این مراسم معارفه‌ها، حرف دل ما رازد. همه حرفی که در همه این سال‌ها آرزو داشتیم یک معاونت سینمایی به زبان یابورد و حالا برآورده شد. اینکه ما محصول هنری فرهنگی غیروهنگی نداریم. فیلم‌تئگرا و غیرمتئگرا نداریم. فیلم فارسی و فیلم جدی نداریم. فقط فیلم خوب داریم و فیلم بد داریم. و این فیلم‌های خوب و بد در هر حوزه‌یی، با هر طبقه‌یی و در هر شکل و شمایل‌یی می‌توانند تولید شوند. این سرازآنگاهی است که می‌تواند فرهنگ کشورمان را نجات دهد. که دور از حوزه سلیقه‌های تصمیم گیر، این محصولات فرهنگی را به عنوان کالا وارد بازار کند. اتفاقی که سال‌ها منتظرش بودیم و حالا دارد اتفاق می‌افتد. و طبیعی است که در این مسیر اولین انکارکنندگان و موضع گیران همان فیلمسازانی باشند که می‌خواهند با کمک‌های دولتی، افکار ظاهراً روشنفکرانه‌شان را با مردم در میان بگذارند. یک تناقض آشکار. یعنی به بهانه ساخت آنچه اسمش را می‌گذارند سینما فاخر و سینمای ملی، سینمای معناگرا و سینمای متفکر، از دولت پول بگیرند و وارد عرصه رقابت شوند. این در حالی است که فیلم‌های خوب مثل «درباره‌الی. . . . اصغر فرهادی و در روزهای آینده» به رنگ ارغوان «ابراهیم حاتمی‌کیا در همین فضا و در همین رقابت فرخند و خواهند فروخت.

بعد جالب اینجاست که یکی از همین مدعیان سینمای خاص و روشنفکرانه، در روزهای اخیر و سر اکران فیلم صداهای یادداشتی نوشته درباره اینکه چطور پرسپولستان دارند فرهنگ را قربانی می‌کنند. بحث سر این نیست که در اکران صداها مطابق قانون رفتار شده یا نشده. اطلاع و تخصصی در این‌باره ندارم. می‌خواهم برایتان جمله‌یی روشنگرانه از همین متن را نقل کنم تا ته ماجرا را بفهمید. دوست‌مان در برابر این ایده که محصولات فرهنگی ما باید مثل هر کالای دیگری وارد بازار و فضای عرضه و تقاضا شود و خودش فیلم‌خورش را از آب بیرون بکشد؛ نوشته که: «انگار پدربن به جای گوشش در جهت فراموش کردن رفاه دختر تازه‌بالغ‌اش، او را روانه خیابان‌ها کند تا خرج خودش را دربیابورد و استدلالش این باشد که «چرخ زندگی باید بچرخد» و دل خوش دارد به اینکه دختر «برمخاطب»ی «دارد!» فکرش را بکنید. همه چیز در این جمله کاملاً روشن است. روشنفکرنمای ما تا مغز استخوان و عمیقاً پذیرفته که برای ادامه حیات‌اش، باید آقا آقایان، پدربن داشته باشد. بعد این پدربن خرجش را بدهد. که اگر ندهد و او وارد خیابان و ارتباط بی‌واسطه با آدم‌های اطرافش شود، تنها چاره‌یی که برای ادامه زندگی و بقا برایش باقی می‌ماند این است که سر برد. . . در فیلم کتاب سیاه بل و رهوفن، اسیر جنگی، سرش را پس از پایان جنگ بلند می‌کند. به اطراف می‌نگرد و می‌گوید هیچ فکر نمی‌کرده که زندگی در شرایط آزادی سخت‌تر از دورانی باشد که در زندان آلمان‌ها بوده است. او به زندان افکار خود، در پس همه آن دیوارهای بلند. . .

در هفته آینده اما بیشتر در این‌باره خواهم نوشت که چقدر خوب است معاونت سینمایی وزارت ارشاد، در ادامه همین مسیری که دارد طی می‌کند، امکان اکران صد سال به این سال‌های سامان مقدم را هم فراهم کند. فیلم مقدم را تازه دیده‌ام و با نظر رسيد بخش دیگری از رنگین کمان وسیع افکار و ایده‌های ملت و مملکت‌مان را مطرح می‌کند. آنچه تا حال کمتر فرصت طرح شدن یافته و مطرح می‌کند که به نظم مطرح شدن همه‌جانبه‌شان اتفاقاً به نفع امنیت کشوری است در حال توسعه که باید سعی کند در مسیر حرکت‌اش، ایده‌ها و افکار و جهان‌های تازه‌یی را پذیرد و به خود اضافه کند. به جز این اما صد سال به این سال‌ها، ملودرام خوبی است، از جنس فیلم‌های رمان‌گونه که کمتر اینجا تولید می‌شود و اگر قرار باشد به جشنواره فجر برسد، یک سیمغ خوبی‌تر را از همین حالا جایز کنز بگذارید. جایزه‌یی برای فاطمه معتمدآریا که درجه یک است. گفتم که در فرصت‌های آینده باید درباره فیلمش از اینها حرف بزنیم.

و حیف و این جشنواره خوب سینما حقیقت، که امسال قربانی همین جمود روشنفکرانه‌اش شده. وقتی فرصتی برای گفتن حرف‌ها و ارتباط با مخاطب، در جشنواره‌یی که شاید استانداردهای بین‌المللی سینمای ایران باشد، از دست رفت و جایش را سالن‌های خالی از شور و شوق گرفت. این همان مبارزه‌یی است که به ضدخودش تبدیل می‌شود. که به خیال اصلاح، ضعف و فقدان را جایگزین می‌کند. از حالا باید به هر چه بهتر و پرشورتر برگزار کردن جشنواره فجر فکر کنیم. جایی که فیلم تازه مهرجویی هست، فیلم تازه حاتمی‌کیا هست و کاش فیلم کیمیایی و عیاری و بیضایی و شورجه هم برسد. این وسط به نظر می‌رسد نمایشگاه مطبوعات هم که هفته گذشته برگزار شد، از دست رفته است. یک فرصت دیگر که بپج شده است. کاش بشود بار دیگر همراه با نمایشگاه کتاب برگزاریش کرد تا رونق رویایی سال‌های گذشته‌اش را به دست بیارود. هیچ چیز بدتر از یک سالن خالی یا کم‌جمعیت نیست. اتفاق جالبی افتاد. وقتی فیلمی از این نوع (که کاش بهتر از اینها ساخته می‌شد و کیفیت بهتری می‌داشت) به فرصتی برای بحث و درک چالش‌های سیاسی و اجتماعی پنج سال اخیر تبدیل شده‌است. آقای هفت رنگ، به شکلی خودآگاه یا ناخودآگاه، به نمایش تحولات قدرت در سدهای اخیر می‌پردازد. جایی که سینمای عامه‌پسند، به نمایش سنج حوادث اطراف سینما می‌شود. پویافلم می‌تواند از اینی که هست، فیلم‌های خیلی بهتری بسازد، به جز این اما نکته جالب برابم گیشه این فیلم خواهد بود. فروش بالا یا پایین آقای هفت رنگ، خیلی چیزها را روشن می‌کند. اینجا دیگر مهم نیست که با زاویه دید فیلم موافق باشم یا نباشم.

و اینکه باز گروه کسرت و میسایلی متیو بلامی، دومینک هاوارد و کریستوفر ولستنهلم (که هموزن را تبدیل می‌کند می‌کردم. روزی می‌رسد که اجرای درستی از موسیقی راک در کشورمان داشته باشیم؟ که برای تماشای این کسرت‌ها درون مرزهای خودمان بلیت بخریم؟ از ما گذشته، یعنی حیف است که بخوایم برای تماشای اجرای زنده یک گروه خوب و جدی مثل میوز؛ به دویی، ارمنستان یا ترکیه مثلاً، فکر کنیم.